

بررسی نقش برنامه‌ریزی و طراحی محیطی در میزان امنیت شهری مناطق حاشیه نشین شهر تبریز

مهدی آذر می، کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

علی آذر*، عضو هیئت علمی گروه شهرسازی و معماری، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران.

اکبر عبدالله زاده طرف، عضو هیئت علمی گروه شهرسازی و معماری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

تاریخ دریافت: ۹۸/۵/۲۴ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۰/۱۰

چکیده

احساس امنیت به عنوان یکی از نیازهای پایه انسانی، اهمیت ویژه‌ای در ایجاد حس مکان و زیست‌پذیری شهری دارد. به طوریکه، داشتن امنیت از عوامل موثر در افزایش کیفیت زندگی و هویت مکان محسوب می‌گردد. هدف پژوهش حاضر، بررسی و ارزیابی تاثیر برنامه‌ریزی و طراحی شهری در احساس امنیت محلات حاشیه‌نشین می‌باشد. روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی و ماهیت تحقیق کاربردی است. در گردآوری اطلاعات از روش‌های اسنادی-کتابخانه‌ای و مشاهدات میدانی (پرسشنامه) استفاده گردیده است. میزان حجم نمونه آماری برطبق روش کوکران ۳۲۲ نفر می‌باشد و از نمونه‌گیری احتمالی طبقه‌بندی شده برای تکمیل داده‌ها استفاده گردیده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد از نظر میزان احساس امنیت، تفاوت معناداری در مناطق حاشیه نشین تبریز در بین محلات طراحی شده و طراحی نشده وجود دارد. همچنین میزان احساس امنیت در مناطقی که طراحی محیطی و مداخلات کالبدی-فیزیکی در آنها از قبیل نورپردازی، تعریض و احداث معابر، مبلمان شهری، کاهش محصوریت، وجود کاربری‌های متنوع، جداره‌های فعال و وجود تراس‌های رو به دسترسی‌ها، صورت گرفته است بیشتر از مناطقی هستند که بصورت ارگانیک رشد و توسعه یافته‌اند و از نظر سیما، منظر و خوانایی شهری در وضعیت مناسبی قرار ندارند.

کلمات کلیدی: برنامه‌ریزی، احساس امنیت، مناطق حاشیه نشین، طراحی محیطی، تبریز.

The Effect of Environmental Planning and Design on Urban Security in Squatter Areas of Tabriz City

Mehdi Azarmi, M.A., Geography & Urban Planning, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran
Ali Azar*, Assistant Professor, Urban Planning & Architecture, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran

Akbar Abdolazadehtaraff, Assistant Professor, Urban Planning & Architecture, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

Abstract: Feeling safe as one of the basic human needs is of particular importance in creating a sense of place and urban viability. So, having security is an effective factor in the identity of the place. The purpose of this study was to investigate and evaluate the impact of urban planning and design on the sense of security of marginalized neighborhoods. This study is descriptive-analytical and applied research. Documentary-library methods and field observations (questionnaires) were used for data collection. The sample size was 322 subjects according to the Cochran method and for sampling; a probabilistic stratified sampling was used. The results showed that there was a significant difference in the sense of security between designed and unplanned neighborhoods in Tabriz marginal areas. Also, feelings of security was high in areas with environmental design and physical interventions such as lighting, the expansion and construction of passages, urban furniture, reduced enclosure, diverse applications, active partitions and the presence of accessible terraces have been made in comparison with undeveloped and unplanned areas.

Keywords: planning, security, squatter areas, environmental design, Tabriz.

مقدمه

امنیت را با توجه به مطالعات صورت گرفته می‌توان به‌طور کلی در سطوح مختلفی همچون امنیت عمومی، اجتماعی، کارکردی، شهری، کالبدی و محیطی مورد تحلیل و بررسی قرارداد. امروزه امنیت به عنوان یکی از مولفه‌های توسعه پایدار محسوب می‌گردد. امنیت شهری یک فرایند مشارکتی است که زیست‌پذیری شهری تقویت و پایداری آن را تقویت می‌کند (Milliken, 2016). فضاهای عمومی شهری نیز به عنوان بخش کالبدی عرصه عمومی که تجلی کالبدی این عرصه محسوب می‌شوند؛ در تعامل نزدیکی با موضوع امنیت قرار می‌گیرند. چرا که «دراهداف تئوری‌های برنامه‌ریزی شهری، ورود به مکان‌های عمومی شهر به توازن بین کنترل‌های اجتماعی و صمیمیت، امنیت و احساس ناامنی، آشنا و غریبه، شباهت‌ها و تفاوت‌ها بستگی دارد. بنابراین شهرها هم محل ترس و هم تهدید و فرصت می‌باشند که هم جاذبه و هم دافعه ایجاد می‌کنند (Siebel, Wertheim, 2003). در این راستا می‌توان بر این موضوع تأکید داشت که برخی از مکان‌ها بر پایه ترس ساخته شده‌اند، ترس از فعالیت‌های منفی، ترس از برخورد با مردم، ترس از عبور از خیابان‌ها، حتی ترس از بد بودن و آلوده بودن هوا، موجب قطع ارتباط فرد به محیط شده و ارتباط او با جهان پیرامون را قطع کرده و یا محیط‌های عمومی را سخت و غیر جذاب می‌کنند. وجود دیوارهای تیره و ساختمان‌های غول آسا که خارج از مقیاس هستند و خیابان‌هایی که وحشت آور می‌باشند، به جای اینکه حس مکان ایجاد کند، بیشتر محلی برای عبور محسوب می‌شود (www.pps.org, 2006).

در حال حاضر پدیده حاشیه نشینی در کشور به صورت یک مسئله اجتماعی حاد جلوه گر شده است و مناطق و فضای کالبدی اطراف شهرها به نواحی جرم خیز تبدیل شده‌اند. مناطق حاشیه نشین با معضلات اجتماعی گوناگونی از جمله فقر، بی‌سوادی، سطح پایین آگاهی، نرخ بالای بیکاری و اشتغال غیررسمی مواجه هستند (کارگر، ۱۳۸۹: ۱۴). بر این اساس زمینه جرم خیزی و کاهش امنیت شهری در این مناطق بیشتر است. در این راستا لازم است که راهبردهای موثر در زمینه پیشگیری از بروز جرم در نواحی حاشیه نشین مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. یکی از این راهبردهای کاهش جرم، برنامه‌ریزی و ساماندهی و بهسازی کالبدی محلات حاشیه نشین است. کلاورد^۱ و اوهلین^۲ در نظریه فرصت‌های نابرابر و غیرقانونی و همچنین رابرت مرتن^۳ در نظریه آنومی اعتقاد دارند که افراد از طبقه پایین بیش از گروه‌های دیگر تمایل به انحراف دارند. زیرا قبل از گروه‌های دیگر شکاف میان موفقیت و عدم امکان آن از راه‌های قانونی را تجربه می‌کنند (کلاورد و اوهلین، ۱۹۶۰: ۱۷۸ به نقل از ممتاز، ۱۳۸۷: ۹۹). آبرهام مازلو در سلسله مراتب نیازهای انسانی، امنیت را بعد از نیازهای اساسی و فیزیولوژیکی به عنوان دومین نیاز ضروری قلمداد می‌کند (پاکزاد و بزرگ، ۱۳۹۶). با شهری شدن جوامع، جایگاه امنیت شهری با توجه به افزایش تراکم جمعیتی و نامتجانس شدن بافت و ساخت اجتماعی ساکنین، بیش از پیش اهمیت و ضرورت پیدا می‌کند. امروزه ناامنی، پدیده‌ای جهانی است که بیشتر در محلات پرتراکم و حاشیه‌نشین کلان‌شهرها شایع است و به اشکال مختلف ظاهر می‌شود. شهرها، مکان دائمی خشونت‌ها و رفتارهای خطرناک می‌باشند (ربانی، ۱۳۸۹: ۱۷۱).

امنیت از مهمترین مقولات وابسته و پیوسته با شهر است که نشان از اهمیت فزاینده آن در فرایند برنامه‌ریزی و طراحی دارد مقوله امنیت شهری از آن جهت اهمیتی مضاعف دارد که با نگاهی به رشد شهرنشینی و افزایش جمعیت شهرنشین که اختلاط و در هم آمیزی بیشتر انسان‌ها را در ساختار شهر به همراه دارد، دریافت می‌شود که این مقوله ارتباط و پیوستگی نزدیکی با امنیت ملی و انسجام و همبستگی اقشار یک اجتماع در برابر تهدیدهای درونی و بیرونی در حال شکل‌گیری نسبت به آن سیستم دارد.

1. Richard A. Cloward
2. Lloyd E. Ohlin
3. Robert. K. Merton

این گسترش بی رویه و افزایش جمعیتی در ساختار شهری، می‌تواند به کنش‌ها و واکنش‌های گوناگون در عرصه جمعی تبدیل شود که در نهایت امکان کاهش میزان احساس امنیت از دیدگاه شهروندان در ابعاد اقتصادی، فرهنگی و حتی جانی را نیز در بر می‌گیرد (بمانیان و محمودی نژاد، ۱۳۸۸: ۱۳۳-۸۲).

امنیت همواره از نیازها و ضرورت‌های پایه‌ای فرد و جامعه تلقی می‌شده است و فقدان و یا اختلال در آن، پیامدها و بازتاب‌های نگران‌کننده و خطرناکی به دنبال داشته و دارد (ساروخانی و هاشم نژاد، ۱۳۹۰: ۸۲). کاهش امنیت شهروندان و بالا رفتن پتانسیل جرم‌خیزی در جوامع شهری و به ویژه در محله‌هایی که از نظر فرهنگی در سطح پایینی قرار دارند و یا در مکان‌های شلوغ شهری قرار دارند، از پیامدهای تراکم جمعیت شهری می‌باشد. چیزی که امروز در کلان‌شهرها به عین مشاهده می‌شود و در گزارش جهانی اسکان بشر (۲۰۰۷) آمده است. این است که ۶ درصد ساکنان شهرها در کشورهای توسعه یافته قربانی جنایت شده‌اند. همچنین از سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۰ میلادی میزان جرم در جهان ۳۰ درصد افزایش یافته است (بمانیان و محمودی نژاد، همان: ۸۱). امروزه با توجه به گسترده‌گی شهرنشینی و رواج ناامنی‌های اجتماعی در شهرها، مطالعه موضوع امنیت، عوامل مؤثر بر آن و راهکارهای تقویت امنیت در شهرها ضرورت یافته است. پژوهشگران و متخصصان شهری در دهه‌های اخیر به نقش شهرسازی از طریق اتخاذ تدابیر و سیاست‌ها در خلق محیط‌های مطلوب و ترکیب مناسب کاربری‌های مختلف شهری در پهنه فضاهای موجود شهر و... آگاهی یافته و در این زمینه به نظریه‌هایی از جمله نظریه «فضاهای قابل دفاع»، «پیشگیری از وقوع جرم از طریق طراحی محیطی CPTED» و «جرم‌شناسی محیطی» دست یافته‌اند و بر این عقیده اند که با بکارگیری اصول و پایه‌های نظریه‌های یاد شده در شهرسازی می‌توان از وقوع جرم و بزهکاری در محیط شهری پیشگیری نموده و یا میزان آنرا کاهش داد و به این ترتیب میزان امنیت شهروندان را ارتقاء بخشید. یکی از رویکردهای جدید در حوزه امنیت شهری، رویکرد امنیت از طریق طراحی محیطی است. ایده اصلی این رویکرد امنیت از طریق طراحی محیطی در این است که محیط فیزیکی نقشی مهم در وقوع جرم بازی می‌کند (Armitage, 1999). بر این اساس رویکرد حاضر را می‌توان طراحی مناسب و به کارگیری بهینه محیط مصنوع در کاهش جرایم شهری دانست که در بهبود کیفیت زندگی و افزایش رضایت مندی شهروندی تاثیر بسزایی دارد (Cozens, 2002). از این رو، امروزه امنیت شهری به عنوان یکی از مسائل مهم در مباحث مدیریت و ساماندهی شهری به ویژه در کلانشهرها مطرح است و ضرورت طراحی یک جامعه امن برپایه‌های روابط و مناسبات سازگار نظیر ارزش‌ها و ایده‌آل‌ها، واقعیت‌ها، منافع و مصالح و... کاملاً احساس می‌شود (خورشیدوند، ۱۳۸۸: ۳۱).

بنابراین می‌توان با طراحی شهر از طریق طرح کالبدی ساختمان و طراحی پلان و دسترسی به سایت‌های جرم خیز، بتوان از ایجاد محیط‌های مناسب برای جرم و جنایت پرهیز کرد تا به عنوان بازدارنده‌ای از ارتکاب جرایم عمل کند، از آنجا که یک مکان شهری محل مکان - رفتارهای ویژه شهروندی است و از سوی دیگر تنها محیط‌های جرم خیز محسوب می‌شوند که تحت «نظارت عمومی» نباشد یا پتانسیل بالقوه‌ای برای ارتکاب جرم داشته باشند، می‌توان از طریق طراحی محیطی از ارتکاب جرایم شهری جلوگیری به عمل آورد.

همراه با مهاجرت گروه‌های انسانی از محیط‌های روستائی و نواحی کم برخوردار به سوی شهرها و نواحی برخوردار از امکانات و خدمات گوناگون، شهرها و بویژه کلانشهرها با افزایش بی‌رویه جمعیت و تورم انسانی مواجه شده‌اند. کلانشهرها علاوه بر اینکه کانون برترین ارزشهای فرهنگ معنوی و مادی کشور می‌باشند و سهم بسزایی در توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور دارد، طیف گسترده‌ای از مسائل امنیت ستیز اجتماعی از قبیل افزایش و هجوم فزاینده جمعیت، گسترش نابرابریهای اجتماعی و اقتصادی و پیامدهای فضایی آن یعنی جدایی‌گزینی، کمبود عدالت اجتماعی، انجام بزهکاری‌ها، جرایم، تبهکاری‌ها و ناهنجاریهای اخلاقی، اعتیاد، دزدی و بسیاری از آسیب‌های اجتماعی دیگر نیز هست. شهر تبریز به عنوان یکی از کلانشهرها کشور محسوب

می‌شود و مطالعه حاضر به بررسی نقش برنامه ریزی و طراحی محیطی در میزان امنیت شهری در مناطق حاشیه نشین شهر تبریز می‌باشد.

هدف اصلی این مقاله، بررسی و تبیین نقش برنامه ریزی و طراحی محیطی در ارتقای امنیت مناطق حاشیه نشین کلان‌شهر تبریز می‌باشد. همچنین سنجش میزان ارتباط بین برنامه‌ریزی انجام گرفته با احساس امنیت در مناطق حاشیه نشین و تاثیر طراحی محیطی در احساس امنیت از دیگر اهداف پژوهش حاضر می‌باشد. بر اساس اهداف تحقیق، سوال پژوهش عبارت است از اینکه: برنامه ریزی و طراحی محیطی چه نقشی در میزان امنیت شهری در محلات حاشیه نشین تبریز دارد؟ و آیا مولفه‌های سن، جنس، شغل، تاهل و تحصیل در احساس امنیت تاثیر دارند؟ همچنین آیا میزان احساس امنیت در محلات حاشیه نشین طراحی شده و طراحی نشده متفاوت است؟

برای پاسخ‌گویی به سوالات فوق، فرض اساسی ارائه گردیده است:

- بین نحوه طراحی محیطی با احساس امنیت در مناطق حاشیه نشین ارتباط وجود دارد.

مبانی نظری

امنیت، واژه‌ای عربی از ریشه امن است. در فرهنگ آکسفورد، واژه Security به «در حفظ بودن، فراغت از خطر یا اضطراب و تشویش» معنی شده است (Oxford, 1994: 320) و در برخی از متون، بین واژه امنیت Security و ایمنی Safety تفاوت قایل شده‌اند.

Security «رهایی یا حفاظت از خطر نگرانی، اقدامات پیشگیری برای تضمین امنیت از یک کشور، شخص؛ مقوله‌های ارزشی» و Safety «وضعیت در امان بودن، وضعیت بی خطر بودن و توانایی برای حفظ سلامتی» معنی شده است (صالحی، ۱۳۹۰: ۷). در فرهنگ فارسی عمید «امنیت» دارای معانی در امان بودن، آسودگی، آسایش و ایمنی است (عمید ۱۳۶۹: ۲۳۴). فرهنگ لاروس امنیت را چنین تعریف می‌کند: اعتماد، آرامش روحی و روانی است. تفکری که بر اساس آن خطر، ترس، وحشت و خسران معنی می‌شود و معادل فقدان مخاطرات است (صالحی، ۱۳۹۰: ۷).

می‌توان گفت اساس زندگی شهری بر محور دو اصل امنیت و آسایش قرار دارد. ناامنی پدیده‌ای همانند فقر است و می‌توان گفت که فقر و حاشیه‌نشینی مقدمه دیگر پدیده‌های آسیب‌شناختی از جمله ناامنی، خشونت شهری، وندالیسم و غیره است. ناامنی به معنای فقدان امنیت فیزیکی (عینی) یا روانی (ذهنی) است. از لحاظ کمی، امنیت شهری در تعداد پرخاشگرها، مکان‌های جرم، ماهیت و جنسیت و سن افراد قربانی بررسی می‌شود (ربانی، ۱۳۸۹: ۱۶۹).

به طور کلی دو بعد عینی و ذهنی برای امنیت وجود دارد. بعد عینی، آن است که با عوامل عینی، محیطی و رفتاری و تعداد قربانیان ارزیابی می‌شود و بعد ذهنی بر اساس احساس امنیت و داوری میزان امنیت محله و منطقه مشخص می‌گردد. هر دو بعد می‌توانند بر یکدیگر تاثیر بگذارند (اثر مثبت و یا منفی). بنابراین لازم است که این دو بعد مورد توجه قرار داده شوند تا امنیت جمع ارتقاء یابد (Brownlow, 2005: 578).

امنیت شهری، به معنی فراغت از هرگونه تهدید و تعرض به حقوق و آزادی‌های مشروع و قانونی شهروندان در محیط شهری است (کارگر، ۱۳۸۳: ۲۹). امنیت شهری از بحث‌های علمی، فنی و کاربردی مهمی است که اکنون به عنوان یک موضوع میان رشته‌ای در چهارچوب جامعه‌شناسی شهری، حقوق، جغرافیا، علوم انتظامی و امنیتی بررسی می‌شود و با سرنوشت آحاد شهروندان، بویژه ساکنان کلان‌شهرها سروکار دارد (صالحی، ۱۳۹۰: ۱۵). شهر امن، شهری است که همه ساکنان آن بدون در نظر گرفتن طبقه اجتماعی - اقتصادی، جنسیت، نژاد و مذهب قادر به شرکت در اجتماع و فرضیت‌های سیاسی و اقتصادی که شهر ارائه می‌دهد

باشند. بکارگیری و اشتغال فقرای شهری، جوانان، زنان در تمامی سطوح برنامه‌ریزی و تصمیم‌سازی برای رسیدن به شهر امن کاملاً ضروری است.

در بررسی علل پیدایش شهر و اینکه چرا اجتماعات بشری در محیطی همچون شهر گرد هم آمده‌اند، نظریات مختلفی ارائه گردیده است که یکی از این مسائل، امنیت و ابعاد ایمنی را در پیدایش شهرها موثر می‌داند. حال با گذر قرن‌ها از پیدایش نخستین اجتماعات شهری، شهرها در نتیجه رشد گسترده کالبدی و جمعیتی خود درگیر مسائل جدیدی در چارچوب انواع مختلف زندگی شهروندان هستند. در این میان امنیت شهری یکی از مسائل مهم است. در بسیاری از موارد، نوع طراحی فضای کالبدی، نقشی که مکان خاصی به خود می‌گیرد و ابعاد اجتماعی یک محدوده به این منجر می‌گردد که فضاها امن و یا بالعکس ناامن گردند. به عبارتی دیگر فضاها شهری با ویژگی‌هایشان به نحوی محرک بروز جرم می‌باشند. اینکه در مکان‌های خاصی جرم و جنایت نسبت به سایر مکان‌ها بیشتر بوده و از این مکان‌ها به عنوان نقاط جرم خیز یاد می‌شود، بی‌شک علت اصلی این امر در رفتار انسانی است؛ که در فضای مورد نظر زمینه بروز جرم را فراهم کرده است (ادیبی سعدی نژاد، ۱۳۹۰: ۸۳).

عواملی که امنیت شهری را از بین می‌برند و موجب تهدید یا کاهش امنیت شهرهای بزرگ می‌شوند، بسیارند و برخی فضاهای شهری یکی از عوامل اصلی تهدیدکننده امنیت شهرها هستند، این فضاها معمولاً از دید محفوظ هستند به همین خاطر فضاهای دنج و مطمئنی برای فعالیت‌های غیرمجاز و ناهنجار محسوب می‌شوند (اعتمادی فر، ۱۳۸۹: ۲۸۷). بنابراین امنیت عامل بسیار مهم و شرط اساسی برای یک مجموعه مسکونی یا اداری است. امنیت در محل کار یا زندگی از طریق عوامل مختلفی قابل تامین است که یکی از آنها طراحی مناسب و سازگار با اصول و ضوابط ایمنی و پیشگیرانه است. در کشورهای در حال توسعه، مهاجرت روستائیان به شهرها، انتقال فقر روستایی به شهرها و تشکیل مناطق حاشیه‌نشین است. امروزه بیش از ۳۰ درصد از جمعیت کلان‌شهرها را حاشیه‌نشینان تشکیل می‌دهند (پورمحمدی، ۱۳۹۵).

بی‌شک حاشیه‌نشینی با بزهکاری و ارتکاب جرم رابطه‌ای نزدیک و ناگسستگی دارد. در واقع باید گفت، حاشیه کلانشهرها اغلب مکان‌هایی مستعد برای بروز و ظهور انواع بزه و جرائم بشمار می‌روند. رشد قاچاق مواد مخدر و گسترش شبکه‌ها و باندهای شبه مافیایی توزیع این گونه مواد که از جمله جرائم مشهود در این گونه مناطق بشمار می‌رود، همچنین نسبت ارتکاب اعمال مجرمانه و خشونت‌آمیز در حاشیه کلانشهرها بیش از سایر مناطق شهری است که علت آن، در کنار سایر علل، کنترل ضعیف و یا عدم نظارت صحیح و مناسب از سوی نیروهای انتظامی و امنیتی است. بدینسان، کمبود پاسگاه‌های انتظامی در تناسب با کثرت جمعیت و فقدان نظارت مناسب و کارآمد در این گونه حواشی، موجبات انواع ناهنجاریهای اخلاقی و اجتماعی را فراهم می‌آورد؛ ضمن آنکه میزان جنایت، سرقت، روسپیگری، قاچاق مواد مخدر، نافرمانی از قوانین و مقررات جاری و برخی بزه‌های دیگر نیز در حاشیه کلانشهرها نسبت به دیگر مناطق شهر از آمار بالاتری برخوردار است. براین مبنا، حاشیه شهرها را می‌توان به واقع به مناطق بی‌قانون و بی‌حاکم تشبیه کرد، زیرا به دلیل دوری از مرکزیت مدیریت شهری، بسیاری از جرائم و مشکلات و مفاسد اجتماعی - اخلاقی در محدوده تحت اشغال آنها بروز نموده و نوعی هرج و مرج در آنها رواج دارد که اگر نظارت صحیح و مناسبی بر آنها صورت گیرد، شاهد کاهش بزه و جرائم نه تنها در این مناطق، بلکه در محدوده سایر مناطق کلانشهرها خواهیم بود، چراکه در واقع برخی از جرائم سازمان‌یافته از حاشیه به دورن شهرها تسری پیدا می‌کند (کارگر، ۱۳۸۳). نقش و جایگاه طراحی محیطی برای استقرار امنیت از دهه ۱۹۷۰ به بعد مورد استقبال نظریه پردازان زیادی قرار گرفت و این اندیشمندان معتقد بودند که طراحی محیطی یکی از راه‌های اصلی کسب امنیت و پیشگیری از تهدیدات و ناامنی محسوب می‌شود. مجموعه نظریات و دیدگاه‌های اندیشمندان در مورد رویکرد طراحی محیطی به شرح زیر می‌باشد:

فoster و همکاران (۲۰۱۴)، تأثیرات ترس از جرم در راه رفتن و پیاده روی افراد را در استرالیا بررسی و تحلیل کردند. نتایج یافته‌های آن‌ها که با افزایش مداخلات و تصمیم‌گیری‌هایی می‌توان ترس از جرم را کاهش و میزان پیاده روی را افزایش داد. پائول و همکاران (۲۰۱۳)، پس از بررسی روند پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی در کشورهای غربی، انتقال این نظریه را در امارات متحده عربی مورد بررسی قرار داده‌اند. آنها همچنین چالش‌های پیش روی این نظریه در این مناطق را برجسته کرده‌اند و معتقدند که با دانش میان فرهنگی می‌توان پیشگیری از جرم را در این مناطق توسعه داد.

جفری (۱۹۷۱) در کتاب «جلوگیری از جرایم شهری با طراحی محیطی» به کاهش پتانسیل طبیعی جرم خیزی مناطق شهری اشاره می‌کند و اسکار نیومن (۱۹۷۲) در کتاب «فضاهای قابل دفاع» به این نکته اشاره دارد که شهروندان باید ببینند و دیده شوند و مشتاق باشند که وقوع جرایم شهری را گزارش دهند.

جرج کلینگ و ویلسون (۱۹۸۲) با ارائه تئوری «پنجره‌های شکسته» به این نکته اشاره می‌کنند که بیشتر جرایم به دلیل وجود پتانسیل‌های طبیعی جرم خیزی مناطق شهری، امکان تحقق می‌یابند، چنانچه به زعم ایشان در واقع این پنجره‌های شکسته هستند که فرصتی را برای ارتکاب و احتمال وقوع جرایم در سطح شهر، فراهم می‌کنند. همچنین پل براتینگهام (۱۹۸۱) در کتاب «جرم‌شناسی محیطی» احتمال روی دهی جرایم را از طریق ایجاد فرصت‌هایی می‌داند که از نابسامانی طراحی محیط مصنوع و ناکارآمدی قوانین حاصل می‌شود. کلارک و می هیو (۱۹۸۴) نقش موانع طبیعی و بازدارنده‌های موقعیتی را در کاهش فرصت‌دهی برای تجاوزات و جرایم شهری مطرح می‌کنند (بمانیان و محمودی نژاد، ۱۳۸۴: ۱۴۳).

جین جیکوبز (۱۹۶۱) در کتاب «مرگ و زندگی در شهرهای آمریکایی» نیاز به خیابانهای ایمن را در شهر مطرح می‌کند و به جدا سازی و تشخیص مکانهای عمومی و خصوصی، تنوع کاربری و اختلاط آنها در سطح شهر اشاره دارد و بر استفاده موثر و بازدارنده حضور عابران پیاده در مناطق شهری بر کاهش احتمال وقوع جرایم در پی امکان نظارت بیشتر می‌پردازد.

مرصوصی و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله ای تحت عنوان «نقش طراحی محیطی در پیشگیری از وقوع جرائم شهری در بخش مرکزی شهر اصفهان پرداخته» است و نتایج تحقیق حاکی از آن است که توجه به اصول و شاخص‌های طراحی بهینه محیط و مساعدت شهرداری می‌تواند در کاهش وقوع جرائم نقش به‌سزایی ایفا کند.

حیدری و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی تحت عنوان «پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی در شهر زنجان» به این نتیجه رسیدند که توزیع متعادل کاربری در سطح شهر می‌تواند باعث نظارت اجتماعی در مناطق خلوت و کاهش تراکم جمعیت در بخش‌های متراکم شود و از بروز جرم پیشگیری نماید.

کارگر (۱۳۸۹) در مقاله «فضا، جامعه و امنیت اجتماعی در حاشیه جنوبی کلان شهر تهران (شهرستان اسلامشهر)» به انواع معضلات حاشیه‌نشینان پرداخته است. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که امنیت اجتماعی در سکونتگاه‌های غیررسمی تابعی از مولفه‌های فضا و ساختارهای اقتصادی و اجتماعی و مدیریتی در سطح کلان، میانه و خرمی باشد که پیاده‌سازی رویکرد امنیت و پلیس جامعه محور و حذف تدریجی رسم حاشیه‌نشینی و تلاش در برقراری توازن‌های ملی - منطقه‌ای و تقلیل عوامل اثرگذار در چرخه جدایی‌گزینی اکولوژیکی از مهمترین آنها به شمار می‌رود.

شاهپوندی و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهشی تحت عنوان «تحلیلی بر توزیع فضایی جرایم در مناطق شهر اصفهان» طی یک مطالعه توصیفی تحلیلی با حجم نمونه ۳۳۴ نفر از مجرمین نشان دادند که بین زمان وقوع جرم و مناطق وقوع جرم و نوع جرم و تراکم جمعیت و تعداد جرایم رابطه معناداری وجود دارد.

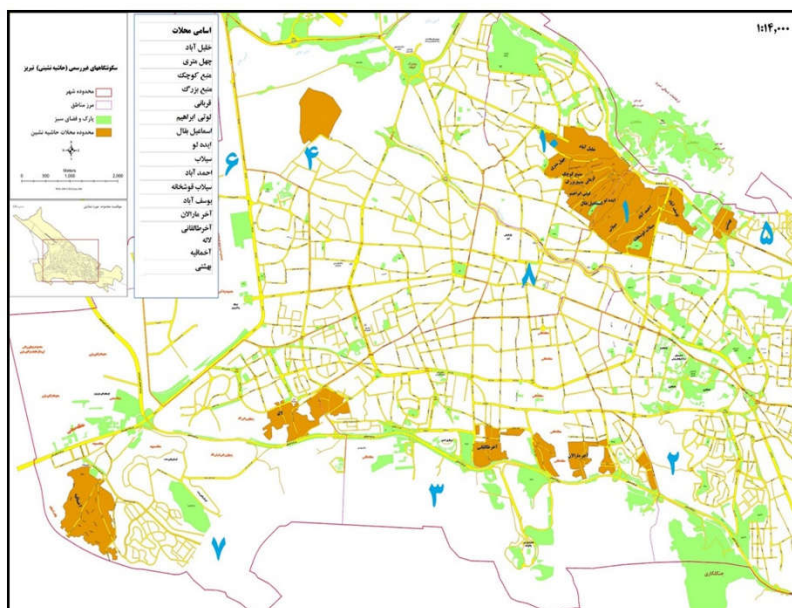
روش‌شناسی تحقیق

محدوده مورد مطالعه در این پژوهش مناطق حاشیه‌نشین شهر تبریز است. محلات حاشیه‌نشین تبریز اکثراً در شمال شهر جای گرفته‌اند. در حال حاضر بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵ جمعیت این شهر بالغ بر یک میلیون و هشتصد هزار نفر بوده که از این تعداد حدود چهارصد هزار نفر حاشیه‌نشینان یعنی (۲۳ درصد) جمعیت را تشکیل می‌دهند. از این محلات معروف حاشیه‌نشین می‌توان محله بهشتی، یوسف آباد، سیلاب، ایده لی، احمد آباد، اسماعیل بقال، قربانی، خلیل آباد، کوثر، منبع، بهشتی، ملازینال، مارالان، طالقانی، شمس و آخماقیه را نام برد و جامعه آماری این پژوهش کل ساکنین مناطق حاشیه‌نشین تبریز می‌باشد. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی است و از نظر ماهیت هم کاربردی محسوب می‌گردد. برای جمع‌آوری اطلاعات از ابزار اسنادی، مشاهده میدانی و پرسشنامه استفاده گردیده است. حجم نمونه آماری بر اساس روش نمونه‌گیری کوکران ۲۰۰ خانوار تعیین گردید. برای تعیین روایی (اعتبار) پرسشنامه‌ها از روش صوری استفاده شده است. پایایی پرسشنامه‌ها نیز از طریق کرونباخ تایید گردید. در تجزیه و تحلیل اطلاعات این پژوهش، از نرم افزار SPSS و از آزمونهای آماری X² و همچنین مدل‌های رگرسیونی استفاده می‌شود. در این مطالعه مقدار p کمتر از ۵ درصد از لحاظ آماری معنی دار تلقی خواهد گردید. برای ارزیابی تطبیقی تاثیر برنامه‌ریزی و مداخله طراحی شهری در افزایش امنیت از ۲۷ متغیر استفاده گردیده است. در جدول (۱)، متغیرهای برنامه‌ریزی و طراحی برای ارزیابی و سنجش میزان احساس آورده شده است.

جدول (۱): متغیرهای سنجش برنامه‌ریزی و طراحی محلات حاشیه‌نشین

ردیف	متغیر	ردیف	متغیر
۱	ایجاد دسترسی مناسب به مرکز شهر با خدمات حمل و نقل عمومی	۱۵	احداث و تعریض معابر اصلی
۲	بکارگیری مستمر فضا بوسیله کاربران	۱۶	اختصاص همکف به خرده فروشی و جداره‌های فعال
۳	تعمیر و نگهداری مناسب از مبلمان شهری و تابلوها و علائم شهری	۱۷	ایجاد پیاده رو و تسهیل ترددات افراد مسن و کودکان
۴	نظارت طبیعی و گشت زنی توسط ارگان‌های انتظامی	۱۸	ایجاد کاربری‌های مذهبی و فرهنگی در این محلات
۵	اشتغال زایی و ایجاد تسهیلات رفاهی و افزایش نظارت طبیعی بر محلات	۱۹	تقویت قلمرو طبیعی با حس مالکیت در ساکنان این محلات
۶	استفاده از تابلوها، علائم و نشانه‌های بصری	۲۰	مدیریت بر اراضی رها شده و خالی محلات
۷	افزایش ارزش منطقه ای مناطق حاشیه‌نشین با اجرای طرح‌های بهسازی	۲۱	توسعه فضای سبز (سبزینگی)
۸	نورپردازی مطلوب خیابان‌ها	۲۲	محوطه سازی، حفاظ و نرده
۹	منظرسازی بر اساس معیارهای افزایش دهنده دید و نظارت عمومی	۲۳	برنامه‌ریزی و احداث فضاهای عمومی از جمله پارک محله
۱۰	فرم (شکل) فضا	۲۴	کیفیت بنا (نوساز، تعمیری، تخریبی)
۱۱	تنوع و کاربری‌های مختلط	۲۵	محصولیت فضا
۱۲	نمای ساختمان	۲۶	مبلمان شهری مانند کف سازی مناسب
۱۳	ایجاد کاربری‌های عمومی	۲۷	دسترسی به اماکن عمومی مانند پارک‌ها و کوه عینالی (عون بن علی)
۱۴	وجود مساجد و برگزاری جلسات مذهبی و پایگاه بسیج		

(ماخذ: یافته‌های میدانی نگارندگان)



شکل (۱): محلات حاشیه‌نشین تبریز (ماخذ: معاونت شهرسازی شهرداری تبریز)

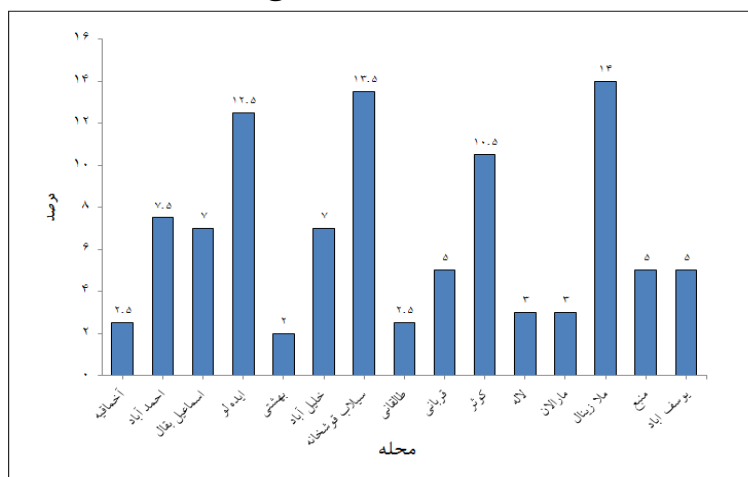
تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیات

در این قسمت، اطلاعات گردآوری شده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. تحلیل‌ها در دو قسمت آمار توصیفی و آمار استنباطی ارائه شده است. در قسمت آمار توصیفی، توصیفی کلی از متغیرهای تحقیق انجام گرفته و در قسمت آمار استنباطی، ابتدا توزیع نمرات متغیرها بررسی شده و پس از آن به آزمون فرضیات تحقیق پرداخته می‌شود.

یافته‌های توصیفی

از کل نمونه‌های مورد بررسی، ۳۵/۵ درصد زن و ۶۴/۵ درصد مرد هستند. از این میان، ۷۲ درصد مجرد و ۲۸ درصد متأهل می‌باشند. ۱۸/۵ درصد بین ۱۵ تا ۲۵ سال، ۲۶ درصد بین ۲۶ تا ۳۵ سال، ۳۰/۵ درصد بین ۳۶ تا ۴۵ سال، ۱۷/۵ درصد بین ۴۶ تا ۵۵ سال و ۷/۵ درصد بالای ۵۵ سال سن دارند.

برای متغیر محل زندگی جواب دهندگان، فراوانی و درصد محاسبه و نمودار ستونی آن رسم شده است. از کل نمونه‌های مورد بررسی، ۲/۵ درصد از محله آخماقیه، ۷/۵ درصد از احمد آباد، ۷ درصد از اسماعیل بقال، ۱۲/۵ درصد از ایده لو، ۲ درصد از بهشتی، ۷ درصد از خلیل آباد، ۱۳/۵ درصد از سیلاب قوشخانه، ۲/۵ درصد از طالقانی، ۵ درصد از قربانی، ۱۰/۵ درصد از کوثر، ۳ درصد از لاله، ۳ درصد از مارالان، ۱۴ درصد از ملا زینال، ۵ درصد از منبع، ۵ درصد از یوسف آباد انتخاب شده‌اند.



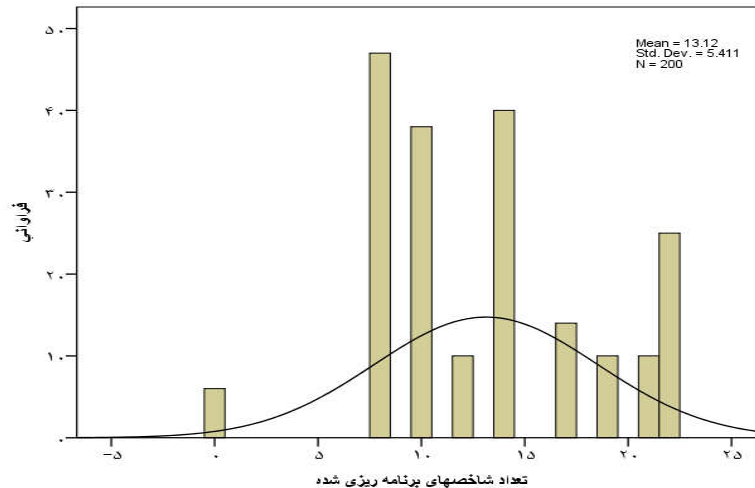
شکل (۲): توزیع نمونه‌ها در محلات حاشیه‌نشین به درصد

شاخص‌های توصیفی تعداد شاخص‌های برنامه ریزی شده

برای متغیر تعداد شاخص‌های برنامه ریزی شده، میانگین، میانه، انحراف معیار، چولگی، کشیدگی، مینیمم و ماکزیمم محاسبه و هیستوگرام آن رسم شده است. میانگین تعداد شاخص‌های برنامه ریزی شده برابر ۱۳/۱۲، کمترین مقدار برابر صفر و بیشترین مقدار برابر ۲۲ است.

جدول (۲): شاخص‌های توصیفی تعداد متغیرهای برنامه‌ریزی شده

تعداد	میانگین	میانه	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی	مینیمم	ماکزیمم
تعداد شاخص‌های برنامه ریزی شده	۱۳/۱۲	۱۲/۰۰	۵/۴۱	۰/۱۴	-۰/۴۹	۰	۲۲



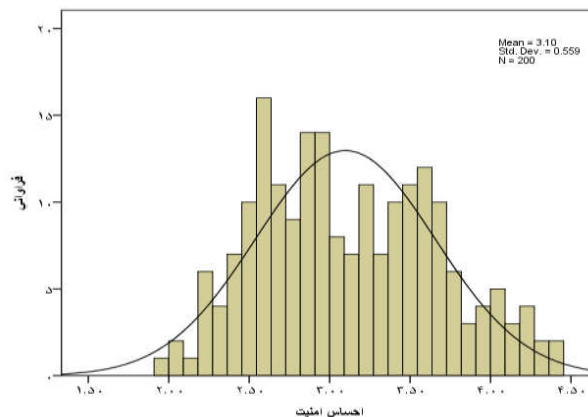
شکل (۳): نمودار هیستوگرام توزیع تعداد شاخص‌های برنامه‌ریزی شده

شاخص‌های توصیفی احساس امنیت

برای متغیر احساس امنیت، میانگین، میانه، انحراف معیار، چولگی، کشیدگی، مینیمم و ماکزیمم محاسبه و هیستوگرام آن رسم شده است. نمرات در بازه ۱ تا ۵ قابل تغییر هستند. میانگین احساس امنیت در محلات حاشیه‌نشین تبریز، برابر ۳/۱۰، کمترین مقدار برابر ۱/۹۵ و بیشترین مقدار برابر ۴/۳۶ است.

جدول (۳): شاخص‌های توصیفی احساس امنیت

تعداد	میانگین	میانه	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی	مینیمم	ماکزیمم
احساس امنیت	۳/۱۰	۳/۰۵	۰/۵۶	۰/۲۴	-۰/۷۵	۱/۹۵	۴/۳۶



شکل (۴): نمودار هیستوگرام توزیع احساس امنیت

یافته‌های استنباطی

بررسی نرمال بودن توزیع نمرات متغیرها

برای بررسی نرمال بودن توزیع نمرات متغیرها از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شده است. فرض صفر در این آزمون نرمال بودن توزیع متغیر است. اگر سطح معنی‌داری آزمون بزرگتر از ۰/۰۵ باشد فرض صفر تایید شده و نتیجه می‌گیریم که توزیع متغیر مورد نظر نرمال می‌باشد.

با توجه به سطوح معنی‌داری به دست آمده نتیجه گرفته می‌شود که متغیر احساس امنیت دارای توزیع نرمال می‌باشد (سطح معنی‌داری بزرگتر از ۰/۰۵). ولی متغیر تعداد شاخصهای برنامه‌ریزی شده دارای توزیع غیرنرمال است (سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵).

جدول (۴): نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها

سطح معنی‌داری	آماره Z کولموگروف-اسمیرنوف	تعداد	
۰/۰۰۱	۲/۴۴۵	۲۰۰	تعداد شاخصهای برنامه‌ریزی شده
۰/۰۶۸	۱/۳۰۷	۲۰۰	احساس امنیت

در ادامه به آزمون فرضیه اصلی پژوهش پرداخته می‌شود و به سوالات پژوهش نیز پاسخ داده می‌شود.

فرضیه: بین نحوه طراحی محیطی با احساس امنیت در مناطق حاشیه نشین ارتباط وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه از آزمون t مستقل استفاده شده است. فرض صفر برابر بودن میانگین احساس امنیت در دو گروه محلات طراحی نشده و طراحی شده است. اگر سطح معنی‌داری آزمون کمتر از ۰/۰۵ باشد فرض صفر رد خواهد شد.

شرط لازم برای مقایسه میانگین‌ها، برابری واریانس متغیر وابسته در دو گروه است. با توجه به سطح معنی‌داری آزمون لوین (۰/۲۷۵) که بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشد، برابری واریانس‌ها تایید می‌شود.

میانگین احساس امنیت در محلات طراحی نشده برابر ۲/۷۴ و در محلات طراحی شده برابر ۳/۴۵ و سطح معنی‌داری برابر ۰/۰۰۱ است. با توجه به سطح معنی‌داری آزمون t که کوچکتر از ۰/۰۵ است فرض رد می‌شود. در نتیجه میزان احساس امنیت در محلات طراحی شده بطور معنی‌داری بیشتر از محلات طراحی نشده است.

جدول (۵): آزمون t مستقل برای مقایسه میزان احساس امنیت بر حسب طراحی محیطی

آزمون t			آزمون لوین		انحراف معیار	میانگین	تعداد	طراحی محیطی	متغیر وابسته
سطح معنی‌داری	درجه آزادی	آماره t	سطح معنی‌داری	آماره F					
۰/۰۰۱	۱۹۸	-۱۱/۵۹۵	۰/۲۷۵	۱/۱۹۷	۰/۴۱	۲/۷۴	۱۰۰	طراحی نشده	احساس امنیت
					۰/۴۵	۳/۴۵	۱۰۰	طراحی شده	

سوال ۱: میزان احساس امنیت در مناطق حاشیه نشین به چه میزان است؟

برای آزمون این سوال از آزمون t تک نمونه‌ای استفاده شده است. نمرات بین ۱ تا ۵ می‌باشند. بنابراین مقدار آزمون برابر ۳ که میزان متوسط متغیر است در نظر گرفته شده است. اگر میانگین متغیر بیشتر از ۳ باشد نشان دهنده وضعیت مطلوب است.

فرض صفر = میزان احساس امنیت برابر با حد متوسط (۳) است.

فرض مقابل = میزان احساس امنیت برابر با حد متوسط (۳) نیست.

میانگین میزان احساس امنیت برابر $3/10$ و سطح معنی داری آزمون $0/015$ است. با توجه به اینکه سطح معنی داری کمتر از $0/05$ است فرض صفر رد می شود. از طرفی چون میانگین بیشتر از 3 است نتیجه گرفته می شود که میزان احساس امنیت در مناطق حاشیه نشین بطور معنی داری در حد متوسط می باشد.

جدول (۶): نتایج آزمون t تک نمونه‌ای برای بررسی میزان احساس امنیت

مقدار آزمون = ۳							متغیر
تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	درجه آزادی	سطح معنی داری	میانگین اختلاف متغیر با مقدار آزمون	
۲۰۰	۳/۱۰	۰/۵۶	۲/۴۷	۱۹۹	۰/۰۱۵	۰/۱۰	

سوال ۲: میزان احساس امنیت در مناطق حاشیه نشین فاقد طراحی محیطی به چه میزان است؟
 برای آزمون این سوال از آزمون t تک نمونه‌ای استفاده شده است. نمرات بین ۱ تا ۵ می باشند. بنابراین مقدار آزمون برابر ۳ که میزان متوسط متغیر است در نظر گرفته شده است. اگر میانگین متغیر بیشتر از ۳ باشد نشان دهنده وضعیت مطلوب است. فرض صفر = میزان احساس امنیت برابر با حد متوسط (۳) است. فرض مقابل = میزان احساس امنیت برابر با حد متوسط (۳) نیست. میانگین میزان احساس امنیت برابر $2/74$ و سطح معنی داری آزمون $0/001$ است. با توجه به اینکه سطح معنی داری کمتر از $0/05$ است فرض صفر رد می شود. از طرفی چون میانگین کمتر از ۳ است نتیجه گرفته می شود که میزان احساس امنیت در مناطق حاشیه نشین فاقد طراحی محیطی بطور معنی داری پایین تر از حد متوسط می باشد.

جدول (۷): نتایج آزمون t تک نمونه‌ای برای بررسی میزان احساس امنیت در مناطق طراحی نشده

مقدار آزمون = ۳							متغیر
تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	درجه آزادی	سطح معنی داری	میانگین اختلاف متغیر با مقدار آزمون	
۱۰۰	۲/۷۴	۰/۴۱	-۶/۲۸	۹۹	۰/۰۰۱	-۰/۲۵۷	

سوال ۳: میزان احساس امنیت در مناطق حاشیه نشین دارای طراحی محیطی به چه میزان است؟
 برای آزمون این سوال از آزمون t تک نمونه‌ای استفاده شده است. نمرات بین ۱ تا ۵ می باشند. بنابراین مقدار آزمون برابر ۳ که میزان متوسط متغیر است در نظر گرفته شده است. اگر میانگین متغیر بیشتر از ۳ باشد نشان دهنده وضعیت مطلوب است. فرض صفر = میزان احساس امنیت برابر با حد متوسط (۳) است. فرض مقابل = میزان احساس امنیت برابر با حد متوسط (۳) نیست. میانگین میزان احساس امنیت برابر $3/45$ و سطح معنی داری آزمون $0/001$ است. با توجه به اینکه سطح معنی داری کمتر از $0/05$ است فرض صفر رد می شود. از طرفی چون میانگین بیشتر از ۳ است نتیجه گرفته می شود که میزان احساس امنیت در مناطق حاشیه نشین دارای طراحی محیطی بطور معنی داری بیشتر از حد متوسط می باشد.

جدول (۸): نتایج آزمون t تک نمونه‌ای برای بررسی میزان احساس امنیت در مناطق طراحی شده

مقدار آزمون = ۳							متغیر
تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	درجه آزادی	سطح معنی داری	میانگین اختلاف متغیر با مقدار آزمون	
۱۰۰	۳/۴۵	۰/۴۵	۹/۹۵	۹۹	۰/۰۰۱	۰/۴۵	

بحث و نتیجه گیری

برخی از مکان‌ها بر پایه ترس ساخته شده‌اند، ترس از فعالیت‌های منفی، ترس از برخورد با مردم، ترس از عبور از خیابان‌ها، حتی ترس از آب و هوا و این ترس‌ها موجب قفل شدن افراد در محیط شده و ارتباط با جهان پیرامون را قطع کرده و یا محیط‌های عمومی را سخت و غیر جذاب می‌کنند. وجود دیوارهای تیره و ساختمان‌های غول آسا که خارج از مقیاس هستند و خیابان‌هایی که وحشت آور هستند و به جای اینکه حس مکان را ایجاد کنند، بیشتر محلی برای عبور هستند، نمونه‌هایی از چنین مکان‌هایی هستند. لذا عموماً مردم برای کاهش خطر قربانی شدن دو راه را در پیش می‌گیرند: (۱) رفتارهای کناره‌گیرانه و محدود کننده، مثل اجتناب کردن از مکان‌های نا امن و یا با هم رفتن به این مکان‌ها و یا کمتر بیرون رفتن در مواقع غیر ضروری، (۲) رفتارهای محافظه کارانه، مثل روش‌های دفاع شخصی، که البته هیچ کدام از این واکنش‌ها نمی‌توانند ترس از جرم را کاهش دهند. نتیجه به دست آمده از فرضیه نشان داد که بین برنامه ریزی‌های انجام گرفته با احساس امنیت در مناطق حاشیه نشین رابطه معنی داری وجود ندارد. نتیجه به دست آمده با پژوهش ضابطیان و همکاران (۱۳۸۹) همسو نمی‌باشد.

بنابراین ایجاد محیطی که مردم را جذب و تشویق به حضور، تردد، پیاده روی و... (بدون ترس و حس ناامنی) بکند، در واقع شمار مردم ناظر را افزایش می‌دهد که این نیروی مردمی برای امنیت خود مردم، بسیار قوی عمل می‌کند و کیفیت زندگی در آن فضا را افزایش می‌دهد (ضابطیان و همکاران، ۱۳۸۹). بنابراین برنامه ریزی شهری بخشی از مسیر ایجاد احساس امنیت در شهروندان است. اینکه افراد با این طرح و برنامه ریزی که دولت یا شهرداری برای آن‌ها ایجاد نموده، هم خود امنیت را احساس نمایند و هم دیگران، نیازمند همکاری خود مردم نیز می‌باشد. برخی عوامل همچون تجارب منفی مثل درگیری، ناظر بودن در جریان جرم در مناطق حاشیه‌نشین می‌تواند با این عدم همکاری رابطه داشته باشد. برای همین برنامه‌ریزی به تنهایی نمی‌تواند احساس امنیت ایجاد نماید و عوامل دیگری نیز تاثیر گذارند. علت معنی دار نبودن نتیجه نیز می‌تواند به این دلیل باشد.

طبق نتایج تحقیق، میزان احساس امنیت در محلات طراحی شده بطور معنی داری بیشتر از محلات طراحی نشده است. یعنی بین نحوه طراحی محیطی با احساس امنیت در مناطق حاشیه‌نشین ارتباط وجود دارد. نتیجه به دست آمده با پژوهش‌های پائول و همکاران (۲۰۱۳)، مرصوصی و همکاران (۱۳۹۳)، حیدری و همکاران (۱۳۹۰)، شاهوندی و همکاران (۱۳۸۸)، محمودی و قورچی (۱۳۸۷) همخوانی دارد.

همسو با نتایج به دست از این فرضیه اندیشمندان نیز طی بررسی‌های به عمل آمده به این نتیجه رسیده‌اند که انگیزه، زمان و مکان، ۳ عنصر اصلی در وقوع جرایم و ایجاد ناامنی می‌باشند. در واقع تفاوت در ویژگی‌های رفتاری و ساختارهای مکانی و زمانی منجر به توزیع متفاوت جرایم در سطح شهرها می‌شود. در این میان عنصر مکان در بروز انواع ناهنجاری‌ها نقش بسزایی دارد (حیدری و همکاران، ۱۳۹۰).

جرج کلینگ و ویلسون (۱۹۸۲) با ارائه تئوری «پنجره‌های شکسته» به این نکته اشاره می‌کنند که بیشتر جرایم به دلیل وجود پتانسیل‌های طبیعی جرم خیزی مناطق شهری، امکان تحقق می‌یابند، چنانچه به زعم ایشان در واقع این پنجره‌های شکسته هستند که

فرصتی را برای ارتکاب و احتمال وقوع جرایم در سطح شهر، فراهم می‌کنند. همچنین پل براتینگهام (۱۹۸۱) در کتاب «جرم‌شناسی محیطی» احتمال روی دهی جرایم را از طریق ایجاد فرصت‌هایی می‌داند که از نابسامانی طراحی محیط مصنوع و ناکارآمدی قوانین حاصل می‌شود. کلارک و می‌هیو (۱۹۸۴) نقش موانع طبیعی و بازدارنده‌های موقعیتی را در کاهش فرصت دهی برای تجاوزات و جرایم شهری مطرح می‌کنند (بمانیان و محمودی نژاد، ۱۳۸۴: ۱۴۳). بنابراین می‌توان گفت با شناخت رابطه بین نوع و میزان جرم و ویژگی‌های مکانی و محیطی وقوع آن‌ها و برنامه‌ریزی و طراحی و معماری مناسب این گونه فضاها، می‌توان میزان ناهنجاری را در شهرها به حداقل میزان ممکن تقلیل داد. اگر افراد در شهر بخواهند از طریق دسترسی‌ها اقدام به مکان‌یابی نمایند در صورت استاندارد نبودن محل مکان‌ها و فضاها، این حس در او ایجاد می‌شود که گم شده است و امکان نظارت دید بر آن‌ها کم است و یا وجود ندارد بنابراین فضایی که در آن حضور دارد، تبدیل به فضاهای غیر قابل دفاع و فاقد امنیت می‌شوند. اما در صورتی که طراحی شهری به نحو مناسب و اصولی انجام گرفته باشد و تمام فضاها به شکل زنده و قابل نظارت باشند احساس امنیت بیشتر خواهد بود و با وجود نظارت و وضوحی، امکان جرم و بزهکاری نیز کاهش خواهد یافت.

با توجه به نتایج به دست آمده در این تحقیق، پیشنهادهای زیر برای ارتقای امنیت شهری به ویژه در مناطق کلان‌شهرها ارائه می‌شود:

- در فرآیند طرح‌ریزی شهری صرفاً به مسایل کالبدی توجه نکرده و به سایر ابعاد اجتماعی، اقتصادی، روانشناختی، اداری-بصری، عملکردی و... نیز توجه شود.

- توجه به کیفیت در فرآیند برنامه‌ریزی شهری عامل کلیدی و مؤثر در تحقق ایجاد محیط شهری با رفاه مطلوب است.
- حذف کاربری‌های آلوده‌کننده، به لحاظ بصری، صوتی و محیطی، از جداره اصلی خیابان‌ها
- مؤلفه آسایش محیطی و بصری در کنار مؤلفه مدیریت شهری نیز به نحوی می‌تواند، بسیاری از مشکلات و نارسایی‌ها را در کوتاه‌مدت برطرف نماید. تجهیز پیاده‌روها به وسیله مبلمان شهری، رسیدگی به نظافت محله، ایجاد سیستم‌های نظارتی، تقویت حضور پلیس در محله، تقویت روشنایی در محدوده‌های مشخص شده، همه از راهکارهای کوتاه مدت در جهت افزایش امنیت در محله است.
- در زمینه بهبود دسترسی‌ها، فعال کردن محله و توجه به مؤلفه دسترسی و نفوذپذیری بسیار تأثیرگذار است. همچنین در نظر گرفتن ایستگاه حمل و نقل عمومی، تعریض برخی از معابر در کنار تغییر در کاربری‌ها، کاربری‌های مختلط، افزایش کیوسک‌ها در معابر، استقرار ایستگاه پلیس، استفاده از تابلوها و علائم به شکل مناسب، همه این امکان را خواهد داد که فضاهای شهری از حالت انفعال خارج شده و به امنیتی پایدار دست بیایند.

منابع

۱. اعتمادی فر، احسان (۱۳۸۹) نقش روشنایی شهری و طراحی نورپردازی در امنیت شهر تهران (با تأکید بر اصول صحیح نورپردازی در مناظر شهری)، برگزیده مجموعه مقالات دومین همایش جامعه ایمن شهر تهران
۲. ادیبی سعدی نژاد، فاطمه و عظیمی آزاده (۱۳۹۰)، تبیین امنیت در محیط شهری بر مبنای پارامترهای کالبدی و طراحی نمونه موردی شهر بابلسر، فصلنامه آمایش محیط، شماره ۱۵
۳. آذر، علی؛ محمدی بیرنگ، مهدیه (۱۳۹۷)، بررسی و تحلیل احساس امنیت زنان در فضاهای عمومی با تأکید بر پارک‌های شهری: مطالعه موردی شهر تبریز، مجله پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری، دانشگاه پیام نور.
۴. بمانیان، محمد رضا، محمودی نژاد، هادی (۱۳۸۸). امنیت و طراحی شهری. تهران: انتشارات تخصصی شهرسازی هله.
۵. پاکزاد، جهان‌شاه، بزرگ، حمیده (۱۳۹۶) الفبای روانشناسی محیط برای طراحان، تهران، انتشارات آرمانشهر.
۶. پورمحمدی، محمدرضا (۱۳۹۵)، کاربری اراضی شهری، تهران، انتشارات سمت.

۷. خورشیدوند، رحیمی (۱۳۸۸)، نقش خانواده در تأمین امنیت و جایگاه پلیس در ارتقای آن، ماهنامه توسعه انسانی پلیس، ۲۲-۳۹ ربانی، رسول (۱۳۸۹)، جامعه شناسی شهری، تهران، انتشارات سمت.
۸. ساروخانی، باقر، هاشم نژاد، فاطمه، (۱۳۹۰)، بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی (مؤلفه‌های آن) و احساس امنیت اجتماعی در بین جوانان شهر ساری، فصلنامه جامعه شناسی مطالعات جوانان، سال ۲، شماره ۲
۹. صالحی، اسماعیل (۱۳۹۰)، برنامه ریزی و طراحی محیطی امنیت در محیط زیست شهری، تهران، انتشارات سازمان شعرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.
۱۰. عمید، حسن (۱۳۶۹)، فرهنگ فارسی عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۱۱. کارگر، بهمن (۱۳۸۹)، فضا، جامعه و امنیت اجتماعی در حاشیه جنوبی کلان‌شهر تهران (شهرستان اسلام شهر)، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۲۲، صص ۴۲-۱۳.
۱۲. کارگر، بهمن، (۱۳۸۳)، امنیت شهری، تهران، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۱۳. ممتاز، فریده، (۱۳۸۷)، انحرافات اجتماعی، نظریه‌ها و دیدگاهها، تهران، شرکت سهامی انتشار.
14. Armitage, R. (1999). "An evaluation of secured by design housing schemes throughout the West Yorkshire area." University of Huddersfield.
15. Brownlow, Alec (2005), A geography of men's fear, Department of Geography and Urban Studies, Temple University, Philadelphia, PA 19122, Geoforum 36, www.elsevier.com/locate/geoforum.
16. Clowrad, Richard and Ohlin, Lloyd (1960), Criminal Behavior Systems, New York: Holt , Rinehart and Winston Inc.
17. Cozens, P. (2002). "Sustainable urban development and crime prevention through nvironmental design for the British city. Towards an effective urban environmentalism for the 21st century." Cities 19(2): 129-137.
18. Milliken, Jennifer (2016), urban safety and security: Lessons from the last two decades and emergent issues, Synthesis report of the conference reviewing the State of Safety in World Cities: Safer Cities +20, Geneva 6-8 July.
19. Siebel, Walter, and Wertheim, Jan (2003), security and the urban public sphere, the German journal of urban studies, vol.42, no.2.
20. www.pps.org/2016.